



زندگینامه استاد فقید دکتر سید محمد طباطبایی برخیز و چاره کن تو طبا باز گل بکار

وحید اعتماد*

* دانشیار گروه جنگل‌داری و اقتصاد جنگل، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ایران

پست الکترونیک: vetemad@ut.ac.ir



دانشمندان ایرانی

سختی و عظمت یکی از چهره‌های به یادماندنی تاریخ منابع طبیعی ایران و یکی از سازندگان و پایه‌گذاران دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران و برخی دانشکده‌های منابع طبیعی ایران که می‌توان او را به واسطه دانایی و احاطه‌اش بر بیشتر علوم کشاورزی و منابع طبیعی به منزله دایرةالمعارف زنده و گویای عصری که در آن زندگی می‌کرد، دانست، سخت و دشوار است. شخصیت کم‌نظیری که تا دهه‌های آینده نام وی بر تارک دانشگاه‌های ایران خواهد درخشید؛ بزرگمرد اخلاق و دانش و مظهر انصاف و نیک‌اندیشی که آبشار کلامش ترنم زمزمه‌های محبت در گوش طفلان گریزپا بود. هیچ‌وقت از زیر بار وظیفه سنگینی که زمانه بر دوشش گذاشته بود، شانه خالی نکرد و مقتدر و صبورانه رنج را بر کنج دل قبول کرد و با سختی‌ها و ناملازمات روزگار کنار آمد تا وظیفه استادی خود را به نحو احسن به انجام برساند. سختی از مردی است که زندگی پرثمرش در آموختن گذشت و دلش به بودن در راه و رفتن بی‌همراه زنده بود. سروقامتی در دل کویر تفتیده بود تا به انتهای سبز پرصمیمیت جنگل برسد. سال‌ها رنج و مشقت، جهد و تلاش را با عشق و خلوص درآمیخته و عمر گران‌سنگ خود را پای درس و بحث، تفکر و اندیشه و تدریس و تألیف صرف کرده بود تا عالمی وارسته و درد آشنا شود و نشانه‌ای باشد برای جویندگان راه دانش منابع طبیعی. مردان بزرگی چون او به ما می‌آموزند که می‌توانیم به زندگی خویش اعتلا بخشیم، از خود اثری بر جای گذاریم و اکنون که بیش از هر زمان دیگری منابع طبیعی این مرزوبوم نیازمند چنین همت بلندی است، پای در راه پرفراز و نشیب آن گذاریم.

او کسی نیست جز استاد فقید زنده‌یاد سید محمد طباطبایی از دیار آذربایجان که در غروب یکی از روزهای اوایل پاییز سال ۱۳۰۵ شمسی در بندر شرفخانه، روستای فانچی که پیش‌تر از توابع تبریز بود و اکنون از توابع شبستر است، چشم به این دنیای پررمز و راز گشود.

پدرش سید میرزا ابوالقاسم طباطبایی از سادات حسینی و معتمدان خوش‌نام و نیک‌سیرت منطقه به‌شمار می‌رفت که به کار تجارت و کشاورزی و تأمین مایحتاج مردم اشتغال داشت. زمان تولد سید محمد مصادف با خروج نیروهای بیگانه روس و انگلیس از ایران بود و نیروهای روسی هنگام خروج انبارهای کالای سید میرزا را به آتش کشیدند و زیان‌های جبران‌ناپذیری بر اقتصاد خانواده آنها وارد کردند.

برساند. هنگامی که مادر از این ماجرا باخبر شد، فرزندش را تشویق کرد و به‌دلیل فقدان امکانات مالی برای ادامه تحصیل وی برای دوره بعدی حزن‌آلود به‌گریه افتاد. در آن زمان برای ورود به دبیرستان باید ماهانه ۲۰ ریال شهریه پرداخت می‌شد که آن هم از طرف خانواده امکان‌پذیر نبود.

سید محمد با همان افکار بلند و همت والا و علاقه‌ای که در وجودش برای رسیدن به پله‌های ترقی شعله می‌کشید، به



سید محمد طباطبایی در آغاز کودکی، هنگامی که سه سال بیشتر نداشت، پدر خویش را از دست داد و مادرش زرین‌تاج خانم دورانیش مجبور شد برای ادای دین و بدهی‌ها، مایملک زندگی را به فروش رسانده و با اطفال خردسالش به تبریز نزد پدر بزرگ بچه‌ها مهاجرت کند و در منزل ایشان در محله سرخاب ساکن شوند. میرزا تیمورپاشاخان دورانیش مردی فاضل، جهان‌دیده و باتجربه بود. وی در منزلش اتاقی برای اسکان نوه‌های خود اختصاص داد و ماهانه مقرری برای آنها تعیین کرد که البته به‌سختی برای گذران زندگی کفاف می‌داد.

مادر اطمینان داد که به هر طریق ممکن ادامه تحصیل خواهد داد و نگرانی وی را برطرف خواهد کرد. از این رو به دبیرستان‌های مختلف شهر مراجعه کرد اما نتیجه‌ای نگرفت. روزی ناامید از همه جا در خانه نشسته بود که یکی از آشنایان، او را به دانش‌سرایي که به‌تازگی در شهر تبریز افتتاح شده و تحصیل در آن رایگان بود، معرفی کرد. سابقه درخشان تحصیلات، حسن اخلاق و همت بلند و والای او موجب شد تا بیشتر مورد توجه مدیر دانش‌سرا قرار گیرد و همین امر باعث شد او را در دبیرستان فردوسی که از بهترین مدارس شهر تبریز بود، ثبت‌نام کند.

محمد از همان کودکی مورد توجه پدر بزرگ بود و در کارهای مختلف از جمله نگهداری گل‌ها و گیاهان باغچه منزل، کمک می‌کرد و در عوض، پدر بزرگ که به زبان فرانسه آشنایی خوبی داشت، به وی کلماتی را می‌آموخت. همین رویه تربیتی موجب شد شعله آموختن در دوران کودکی در وجود محمد شعله‌ور شود تا اینکه در سن شش سالگی به‌شوق آموختن و رفتن به کلاس اول باوجود بی‌تفاوتی اطرافیان و نبود تمکن مالی، شخصاً پس از پرس‌وجوی فراوان توانست در دبستان حافظ که از جمله مدارس به‌نام شهر تبریز بود نام‌نویسی کند. او مجبور بود به‌دلیل نبود امکانات، تکالیف دروس ریاضی و فارسی را با زغال روی آجر فرش منزل تمرین کند یا به‌علت محدودیت روشن گذاشتن چراغ اتاق با یک شمع به درس خواندن بپردازد.

سید محمد طباطبایی پس از موفقیت در امتحانات نهایی دوره متوسطه و اخذ دیپلم مورد تشویق اطرافیان قرار گرفت و در سال ۱۳۲۴ شمسی برای ادامه تحصیلات دانشگاهی با کمک مالی مادر بزرگ و مادرش عازم تهران شد و در کنکور پزشکی دانشگاه تهران و دانشکده کشاورزی کرج ثبت‌نام کرد. وی توانست با اندوخته‌های علمی خود در بین ۲ هزار و ۶۸۵ نفر متقاضی دانشکده پزشکی به رتبه ۲۷ و در دانشکده کشاورزی به رتبه دوم دست یابد. سید محمد جوان به پیشنهاد متصدی نام‌نویسی دانشجویان، پیگیری و تلاش‌های زیادی به‌عمل آورد تا به‌صورت رایگان به دانشکده پزشکی راه یابد، ولی متأسفانه به‌علت نداشتن توان پرداخت هزینه شهریه از ثبت‌نام در آن دانشکده منصرف شد و در دانشکده کشاورزی کرج که ثبت‌نام در آن رایگان بود، نام‌نویسی کرد. وی در بدو ورود به شهر کرج برای تأمین مخارج زندگی مجبور شد از عصر تا پاسی از شب در کارخانه قند این شهر مشغول به‌کار شود.

ایشان با گذشت همه این سختی‌ها، در تمام دوران ابتدایی شاگرد اول کلاس بود و در سال ۱۳۱۷ شمسی موفق شد بین تمام دانش‌آموزان شهر تبریز کلاس ششم را با رتبه اول به اتمام



دوران تحصیل وی مقارن با پیوستن دانشکده کشاورزی به دانشگاه تهران گذشت و از نظر سیاسی جو مناسب و مطلوبی در دانشکده حاکم نبود و از این نظر مشکلاتی برای کسانی که قصد درس خواندن داشتند، به وجود آمده بود. سید محمد با همه این سختی‌ها در تابستان ۱۳۲۷ شمسی موفق شد زیر نظر استادان به نامی چون استاد کریم ساعی، استاد حبیب‌الله ثابتی، استاد محمدحسن مهدوی، استاد جلال افشار و ده‌ها استاد نامی کشور، به عنوان مهندس کشاورزی با رتبه دوم از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شود. سپس با دو نفر از بهترین همکلاسی‌های خود زنده‌باد استاد فقید دکتر رضا حجازی و استاد قدرت‌الله

تمدنی موفق شدند در همان سال به استخدام دانشکده کشاورزی کرج درآیند.

مهندس سید محمد طباطبایی به عنوان متصدی آزمایشگاه‌های فیزیک و هواشناسی زیر نظر استاد منجمی، مهندس رضا حجازی به عنوان دستیار استاد ساعی و متصدی آزمایشگاه جنگل و مهندس قدرت‌الله تمدنی به عنوان متصدی آزمایشگاه هیدرولیک، آبیاری و ساختمان‌های روستایی زیر نظر استاد فرزانه در اول مهر ۱۳۲۷ در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران مشغول به کار شدند. اواخر سال ۱۳۲۹ شمسی مهندس حجازی و مهندس تمدنی برای ادامه تحصیل عازم بلژیک شدند و مهندس طباطبایی مجبور شد مسئولیت آزمایشگاه‌های دوستان خود را نیز عهده‌دار

شود. مدت‌ها با این وظیفه سنگین به کار خود ادامه داد تا اینکه به خدمت سربازی اعزام شد. طباطبایی پس از اتمام سربازی دوباره به دانشکده کشاورزی مراجعه کرد و مسئولان وقت با آغوش باز از او استقبال کردند. علاوه بر مسئولیت آزمایشگاه‌های پیشین، به درخواست شادروان مهندس عطایی ریاست وقت دانشکده، مسئولیت آزمایشگاه زراعت و اصلاح نباتات و مزرعه آموزشی در عمیدآباد زنجان نیز به دوش وی نهاده شد.

در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۷ شمسی تمامی سفیران، استادان و مهمانان خارجی که از دانشکده کشاورزی بازدید می‌کردند، از نظر دقت و لیاقتی که مهندس طباطبایی در مدیریت آزمایشگاه‌ها از خود نشان داده بود، تمجید کرده و بارها بورسیه‌های تحصیلی به نام وی اختصاص می‌دادند که متأسفانه به علت نبود جانشین مناسب، بورسیه‌های تحصیلی به نزدیکان یا کسان دیگری تعلق می‌گرفت.

مهندس طباطبایی بارها برای اعزام به خارج و ادامه تحصیل اقدام کرد، ولی همواره با سنگ‌اندازی‌های بی‌مورد سد راه وی می‌شدند. نخستین اقدام وی پس از بازگشت از خدمت سربازی، پیگیری و ایجاد آزمایشگاه جنگل و چوب بود که با همکاری و کمک مالی ایران و آمریکا، سازمان خواربار جهانی (فائو)، سازمان برنامه و دانشگاه تهران به تصویب رسیده بود.

در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ شمسی با کمک دکتر وارسیو، کارشناس هلندی که در رشته چوب‌شناسی تخصص داشت،



پیگیرانه و بی دریغ مهندس محمد طباطبایی انگیزه‌ای قوی شد تا به همراه دکتر حجازی با هم عهد ببندند تا اهداف عالی و آرمان‌های استاد خود را به نتیجه برسانند. کادر علمی آزمایشگاه چوب در این زمان متشکل از دکتر رضا حجازی (دانشیار)، محمد طباطبایی (معلم آزمایشگاه و متصدی شعبه چوب)، مهندس ریاحی (کارمند فنی)، مهندس نیلوفری (متصدی شعبه خواص فیزیکی و مکانیکی و آغشته کردن چوب) و مهندس نگارستان (متصدی آزمایشگاه جنگل‌شناسی) بود. دوره آموزش در مقطع لیسانس تا سال ۱۳۳۴ شمسی سه‌ساله بود و برای همه دانش‌آموختگان، مدرک رشته کشاورزی عمومی صادر می‌شد. از مهر سال ۱۳۳۴ شمسی



توانست آزمایشگاه چوب‌شناسی را که شامل بخش‌های آناتومی و بیولوژی چوب، فیزیک و مکانیک چوب، شیمی چوب، نگهداری و آغشتگی چوب، عکاسخانه و بخش اداری بود، راه‌اندازی کند. استاد طباطبایی برای تکمیل این آزمایشگاه‌ها مکاتبات زیادی را با مسئولان فائو و اصل ۴ ترومن زیر نظر استاد حجازی انجام داد. وی سرانجام دستگاه‌های مختلف آزمایشگاه چوب را با کمک فردی به نام زنده‌یاد مهندس محمد ریاحی که در بخش لیبیات دانشکده کشاورزی مسئولیت فنی داشت، از انبار فائو تحویل گرفت و با شوق و اشتیاق زیادی کلیه دستگاه‌ها را آماده به کار کرد. وی در آن زمان مسئولیت آزمایشگاه بیولوژی و آناتومی چوب را برعهده گرفت. زنده‌یاد استاد حجازی در سال ۱۳۳۲ پس از اتمام تحصیلات و



به‌همت استاد محمدحسن مهدوی در نظام آموزشی دانشکده کشاورزی تغییراتی به‌وجود آمد و از این زمان مقطع کارشناسی چهارساله شد. از این‌رو دانشجویان باید دو سال دروس عمومی را می‌گذراندند و پس از معدل‌گیری از نمرات اخذ شده، می‌توانستند بر حسب معدل در یکی از رشته‌های جنگل، باغبانی، زراعت، آبیاری و عمران کشاورزی، ماشین‌های کشاورزی و دفع آفات با گذراندن دروس تخصصی در رشته‌های فوق به تحصیل پردازند و مدرک فوق‌لیسانس رشته خود را با گذراندن ۱۸۰ واحد درسی اخذ کنند. تا این زمان درس‌های جنگل (جنگل‌شناسی، درخت‌شناسی و اندازه‌گیری

اخذ درجه دکتری در رشته چوب‌شناسی از دانشگاه زامبلو در کشور بلژیک و بازگشت به میهن، به‌عنوان استادیار چوب‌شناسی کار خود را در دانشکده کشاورزی دنبال کرد تا درس‌های چوب‌شناسی و دروسی را که استاد کریم ساعی ارائه می‌کرد، تدریس کند. وی توانست پس از مدت کوتاهی به مقام دانشیاری رشته خود نایل شده و در شورای دانشکده کشاورزی شرکت کند. تلاش‌های وی موجب شد تا ساختمان چوب‌شناسی که احداث آن در سال ۱۳۳۰ شمسی شروع شده بود، چهارسال بعد به پایان برسد و در اتمام کار آزمایشگاه‌ها که پیش‌تر به آن اشاره شد، سرپرستی کند. ایجاد آزمایشگاه چوب‌شناسی و فعالیت‌های



جنگل)، چوب‌شناسی، بیولوژی و آناتومی چوب جزء درس‌های دوره لیسانس کشاورزی عمومی بود که توسط استاد ساعی، استاد رضا حجازی و عملیات آنها توسط مهندس طباطبایی تدریس می‌شد. از این تاریخ به بعد با ایجاد رشته جنگل این درس به علاوه تعداد زیادی از درس تخصصی دیگر ارائه شد. استادانی که برای نخستین بار به تدریس درس‌های این رشته مشغول بودند عبارت بودند از: دکتر رضا حجازی (چوب‌شناسی، صنایع چوب، درخت‌شناسی)، مهندس بنان (مهندسی جنگل و عکس‌های هوایی)، مهندس محمدحسین جزیره‌ای (جنگل‌شناسی و جغرافیای جنگل‌ها)، مهندس میرحیدر (آمار و اندازه‌گیری)، مهندس ناصر مجتهدی (فراورده‌های جنگلی و زغال‌گیری)، مهندس ناصر گل‌سرخ (مرتع)، مهندس بریمانی (ماهی‌شناسی)، دکتر منوچهری (آفات و بیماری‌های جنگل) و دکتر میمندی‌نژاد (اکولوژی زراعی). از دانشجویانی که افتخار این را پیدا کردند که جزء نخستین دوره فارغ‌التحصیلان رشته جنگل محسوب شوند، می‌توان به استاد فقید زنده‌یاد دکتر کریم جوانشیر خوبی و استاد دکتر فیروز نخجوانی اشاره کرد.

سازمان خواربار جهانی (فائو) در سال ۱۳۳۳ شمسی از دولت ایران درخواست کرد تا نخستین کمیسیون جنگلبانی خاورمیانه به منظور طرح موضوعات مختلف درباره جنگلبانی از جمله روش تدریس، مسائل فنی و ایجاد مدرسه جنگلبانی برای کشورهای خاورمیانه برگزار شود. در سال ۱۳۳۴ شمسی این کمیسیون با حضور پروفسور مارسل لولو ریاست بخش جنگلبانی فائو، تنی چند از اعضای این سازمان و نمایندگان از کشورهای خاورمیانه و مؤسسه‌های تحقیقاتی از جمله ایران تشکیل شد. در این جلسه استاد رضا حجازی از دانشگاه تهران حضور داشتند و زنده‌یاد مهندس بنان سخنرانی ارزنده‌ای ایراد کردند که با تماس‌های مثبتی که با نمایندگان و اعضای مؤثر سازمان فائو و بخش جنگلبانی آن از سوی اعضای ایرانی به عمل آمد، زمینه مناسبی برای تأسیس انستیتوی جنگل در ایران فراهم شد. مهندس طباطبایی به منظور هر چه باشکوه‌تر برگزار کردن این کمیسیون پیگیری‌های زیادی کرد. از این سال به بعد توسط استاد حجازی و همکاری‌های پیگیرانه و دلسوزانه محمد طباطبایی و حمایت

ریاست وقت دانشکده، محمدحسن مهدوی و حمایت‌های رضا صدقیانی از سازمان برنامه و بودجه و یحیی نظیری از اداره آموزش و روابط بین‌الملل جنگلبانی و به‌ویژه پروفسور ولادیمیر تریگوبوف کارشناس سازمان ملل، مقدمات تأسیس انستیتو جنگل فراهم شد؛ به طوری که در هشتم اردیبهشت ۱۳۴۱ شمسی موافقت‌نامه تشکیل انستیتو جنگل و مرتع در دانشکده کشاورزی بین دولت ایران و صندوق سازمان ملل به امضا رسید.

اواخر سال ۱۳۳۸ شمسی استاد رضا حجازی پس از بازگشت از مسافرت علمی در کشور آلمان به ملاقات پروفسور هانس مایر و گلین استاد برجسته در انستیتوی جنگل و چوب دانشگاه هامبورگ رفت و ضمن برقراری ارتباطات علمی، بورسیه تحصیلی نیز برای مهندس طباطبایی دریافت کرد. مهندس طباطبایی به محض اطلاع از این خبر مسرت‌بخش به رغم همه سنگ‌اندازی‌ها موفق شد موافقت‌ها را پس از سال‌ها انتظار برای ادامه تحصیل نزد بهترین استاد چوب‌شناسی جهان کسب کند و ایران را به قصد دانشگاه هامبورگ در کشور آلمان ترک کرد. پروفسور هانس و گلین پس از آشنایی با محمد طباطبایی به او تکلیف می‌کند که دروسی را در دانشکده ریاضیات و علوم هامبورگ بگذراند. وی سپس او را به آزمایشگاه و دانشجویان و همکارانش معرفی کرده و به دستیارش که دانشجوی دکترا بود، دستور می‌دهد ۳۰۰ نمونه از چوب‌های بلوطی که برای مطالعه این درخت باقی مانده است، در اختیار طباطبایی قرار دهد که متأسفانه به دلایلی این کار ۹ ماه طول می‌کشد. محمد طباطبایی پس از این همه انتظار و ناملایماتی که از سوی مسئولان آزمایشگاه می‌بیند، بیکار ننشسته و به آزمایشگاه‌های چوب در کشورهای انگلستان، ایتالیا، پرتغال، فرانسه و اسپانیا مراجعه می‌کند و پس از ۲۲ روز تلاش، موفق می‌شود ۱۰۵ نمونه چوب بلوط تهیه کرده و به دفتر خود انتقال دهد.

سید محمد طباطبایی دکتری خود را در سال ۱۳۴۰ شمسی خورشیدی در رشته بیولوژی چوب در دانشکده ریاضیات و علوم دانشگاه هامبورگ از دست پروفسور هانس و گلین دریافت کرد و مورد تشویق تعداد زیادی از استادان خارجی حاضر در جلسه قرار گرفت. وی پس از چند ماهی که به تدریس در آن دانشگاه مشغول بود، کشور آلمان را به قصد ایران ترک کرد و در انستیتوی





سال دیگر به استاد طباطبایی فرصت دهند تا کارهای پژوهشی بیشتری انجام دهد که با این درخواست موافقت شد و وی به فعالیت‌های پژوهشی خود ادامه داد. در پایان دو سال کار مداوم، از سوی دولت آلمان مسافرتی به مدت ۲۰ روز برای پژوهشگران جهان که در آن کشور دوره پژوهشی خود را طی می‌کردند، به سراسر اروپا ترتیب داده شده بود که پس از پایان این مدت به حضور رئیس‌جمهوری وقت، پروفیسور تئودور هویس، شرفیاب شدند. از بین ۲۳۰۰ نفر از مدعوین در این جلسه و به نیابت از همه، استاد طباطبایی سخنرانی موجز، عالمانه و کوتاهی ایراد می‌کند که مورد توجه شخص رئیس‌جمهوری قرار گرفته و وی از استاد طباطبایی تشکر کرده و او را به‌طور خصوصی به حضور پذیرفت تا مورد تشویق و قدردانی قرار دهد.

استاد طباطبایی در سال ۱۳۴۳ شمسی به سمت دانشیاری و در اواخر سال ۱۳۴۵ شمسی به مقام استادی نایل شد. وی در این سال‌ها به‌عنوان معاون آموزشی و پژوهشی در دانشکده جنگلداری به خدمت مشغول بود تا اینکه در سال ۱۳۴۸ به کفالت دانشکده جنگلداری دانشگاه تهران منصوب شد. در این زمان، سیاست ریاست دانشگاه تهران بر این مدار قرار گرفت که ۴۰۰ نفر از استادان دانشگاه را بازنشسته کند که از جمله نام استاد دانشمند رضا حجازی در این فهرست قرار گرفته بود. استاد طباطبایی در اعتراض به این اقدام جسورانه و غیراصولی، نامه‌ای به ریاست دانشگاه ارسال داشت و او را از عواقب بدی که این تصمیم دربر دارد، آگاه کرد. وی تلاش‌های فراوانی کرد و دیدارهای متعددی با مقامات دانشگاه و وزارت علوم انجام داد اما متأسفانه هیچ‌کدام از این اقدامات به‌جایی نرسید و در نهایت نام وی را نیز به‌پاس این همه پیگیری در فهرست قرار داده و حتی یک سال زودتر از استاد حجازی در تاریخ ۱۳۴۸/۱۲/۱۵ با ۲۲ سال خدمت درخشان و آن همه عشق و علاقه و دانش و علمی که اندوخته بود، بازنشسته کرده و دانشجویان را از وجود چنین استادی محروم کردند.

دامنه علم و دانش استاد طباطبایی به‌حدی بود که در طول خدمت پیش از بازنشستگی و پس از بازنشستگی برای تدریس در دانشگاه‌های همدان، شیراز، اهواز، گرگان، کرمانشاه و ساری در زمینه‌های باغبانی، جنگل، فضای سبز و علوم پایه

جنگل در کنار استاد حجازی و سایر استادان دیگر به تدریس درس تشریح و شناسایی چوب پرداخت. وی با عشق و علاقه فراوانی تا ساعاتی از شب به مطالعه و کارهای تحقیقاتی مشغول بود، به طوری که توانست در مدت کوتاهی بیش از ۱۰۰ نشریه توسط دانشکده کشاورزی و انستیتوی جنگل منتشر کند.

کار انستیتو به‌خوبی پیش می‌رفت و آزمایشگاه چوب‌شناسی از نظر امکانات و پژوهش چشم و چراغ دانشکده کشاورزی بود. هر زمان وزرا یا مهمانان عالی‌قدری از داخل و خارج کشور به دانشکده کشاورزی می‌آمدند، رؤسای وقت دانشکده آنها را برای بازدید به این آزمایشگاه راهنمایی می‌کردند. متأسفانه هرچه کار آزمایشگاه انستیتوی جنگل پیشرفت می‌کرد و معروف‌تر می‌شد، حسادت برخی عناصر مغرض و تنگ‌نظر هم نسبت به آن افزون‌تر می‌شد. فکر و انگیزه ایجاد دانشکده جنگل ذهن استادان فقید دکتر حجازی و دکتر طباطبایی را یک لحظه به خود وا نمی‌گذاشت. به این ترتیب بود که با کمک‌های فکری و پشتیبانی ولادیمیر ترگوبوف، طرح تأسیس دانشکده جنگلداری در ۲۶ خرداد ۱۳۴۵ شمسی در ششصد و بیست و هشتمین شورای دانشگاه به ریاست جهان‌شاه صالح مورد موافقت قرار گرفت. دانشکده جنگلداری دانشگاه تهران با سه گروه جنگلداری و اقتصاد جنگل، چوب‌شناسی و فرآورده‌های جنگلی و احیای مناطق خشک و کوهستانی شروع به کار کرد. اعضای گروه چوب‌شناسی و فرآورده‌های جنگلی عبارت بودند از: دکتر رضا حجازی به‌عنوان مدیر گروه و دکتر محمد طباطبایی و خانم پوران سلیمانی به‌عنوان اعضای گروه.

استاد طباطبایی در سال‌هایی که به فعالیت آموزشی و پژوهشی مشغول بود، موفق شد در امتحانی که به‌مناسبت استفاده از دو بورسیه‌ای که سازمان فرهنگی الکساندر فون هومبولد در اختیار ایران قرار داده بود، شرکت کرده و در بین ۲۶۸ نفر از استادان سراسر کشور، به‌عنوان نفر اول از این بورسیه استفاده کند. وی توانست به‌مدت یک سال زیر نظر پروفیسور لیزه، ریاست انستیتوی جنگل و چوب دانشگاه هامبورگ که شهرت جهانی داشت، به کارهای علمی بپردازد و مقالات زیادی به زبان آلمانی در معتبرترین مجلات علمی به چاپ برساند. در پایان مهلت بورسیه، پروفیسور لیزه از دولت و مسئولان دانشگاه تقاضا می‌کند تا یک



و تدریس دروس فیزیک، هواشناسی، آبیاری و عمران، گل‌ها و گیاهان زینتی، گیاه‌شناسی، اکولوژی و جامعه‌شناسی گیاهی و ده‌ها درس دیگر دعوت به همکاری می‌شد.

استاد طباطبایی در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۸ شمسی در راه‌اندازی دانشکده کشاورزی همدان، دانشکده کشاورزی مازندران و همچنین ایجاد گروه جنگل و مرتع و تدریس و قبول مسئولیت‌های مختلف در این دانشکده‌ها فعالیت‌های زیادی کرد. وی مجموعه نفیسی از نمونه‌های چوب خود را که سال‌ها برای تهیه آن از اقصی نقاط دنیا زحمات کشیده بود، به همراه کتابخانه شخصی‌اش به دانشکده منابع طبیعی دانشگاه مازندران اهدا کرد.

یکی از اقدامات اساسی که استاد طباطبایی در طول عمر پربارش از خود به یادگار گذاشت، ایجاد باغ‌های گیاه‌شناسی در مراکز علمی یا پارک‌های شهری بود که نقش بسیار مهمی در آموزش دانشجویان و مردم داشت. در سال ۱۳۵۰ ضمن انجام این فعالیت‌ها برای نخستین بار به تأسیس دفتر مشاوره طبیعت برای فعالیت‌های امور جنگل، پارک‌داری و فضای سبز با همکاری جمعی از استادان اهل فن اقدام کرد که نتیجه آن، طرح‌های مختلفی برای عمران و آبادانی کشور از جمله طرح عمران جیرفت بود که مورد توجه دولت آن زمان قرار گرفت. در سال ۱۳۶۷ کتابخانه تخصصی خود را به دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران اهدا کرد که به علت وجود کتاب‌های گران‌بها و آرشئو کامل از کتب مربوط به علوم جنگل و چوب مورد قدردانی ریاست دانشگاه قرار گرفت.

آغاز فعالیت و همکاری وی با سازمان فضای سبز شهر تهران و کرج به سال‌های ۱۳۶۹ شمسی برمی‌گردد که حاصل این همکاری انتشار کتاب‌های متعدد و احداث باغ‌های گیاه‌شناسی و انجام طرح‌های مختلف جنگل‌کاری در این دو شهر بزرگ بود. وی سال‌ها به‌عنوان مشاور در این دو سازمان به خدمتگزاری مشغول بود.

یکی از فعالیت‌های زنده‌یاد سید محمد طباطبایی پس از بازنشستگی، همکاری با معاونت امور باغبانی وزارت جهاد کشاورزی در زمینه اصلاح و توسعه کاشت درختان زیتون بود که نتیجه این همکاری انتشار بیش از ۸۰ فقره گزارش علمی و فنی و چاپ کتابی با عنوان زیتون و روغن آن بود. همکاری با سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، دانشگاه آزاد اسلامی در تأسیس دانشکده کشاورزی محلات، استانداری تهران، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، سازمان استاندارد و بخش صنایع چوب وزارت صنایع و معادن از جمله دیگر فعالیت‌های این استاد عالی‌قدر بود.

استاد طباطبایی به زبان‌های فرانسه، آلمانی، انگلیسی و ترکی تسلط کامل داشت و با زبان روسی نیز آشنا بود. وی در هنر شاعری و نقاشی نیز صاحب ذوق و سلیقه خاصی بود به طوری که اشعار نغزی را از زبان گل‌ها و گیاهان سروده که مورد توجه اهل فن قرار گرفته است.

استاد طباطبایی بارها در طول عمر پربرکت خویش از سوی دانشگاه‌های کشور، انجمن‌های علمی و سازمان‌های مختلف مورد تقدیر قرار گرفت و در آخرین باری که از سوی دانشگاه گرگان از وی تقدیر شد، دانشجویان و استادان دانشکده منابع طبیعی بیکراهی چوبین که از ایشان ساخته بودند را به پاس همه توانمندی‌ها و دلسوزی‌های این استاد، تقدیم‌شان کردند.

همواره در ملاقات‌های حضوری همگان را توصیه می‌کرد که هزار گفته به یک نوشته نمی‌ارزد و هر آنچه را که می‌خوانید، به صورت فیش‌برداری نگهداری کنید تا در زمان مناسب بتوانید از آن استفاده علمی کنید. وی در طول ۸۹ سال عمر پربار خویش علاوه بر تألیف بیش از ده‌ها کتاب و صدها مقاله و گزارش علمی و فنی، صدها دانش‌آموخته در سطوح مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را تربیت کرد و در این مدت موفق به احداث ۸ باغ گیاه‌شناسی در دانشگاه‌ها و پارک‌های شهرهای سراسر کشور شد.

دکتر ربیع فلاح، ریاست اسبق سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، به زنده‌یاد استاد طباطبایی، پیر جنگل‌های ایران لقب داده بود. استاد طباطبایی در اغلب انجمن‌های علمی سراسر جهان در زمینه چوب عضویت داشت و برای ارائه مقالات خود در بسیاری از کنفرانس‌های بین‌المللی به بیش از ۴۵ کشور مسافرت کرد. اما رحلت او در سال ۱۳۹۴ شمسی، این کوه تجربه و علم را از میان علاقه‌مندان برد و جویندگان دانش را در میان انبوهی از پرسش‌های علمی در مورد منابع طبیعی تنها گذاشت.

استاد سید محمد طباطبایی در سال ۱۳۴۲ شمسی با

خانم فاضله و بزرگواری به نام سرکار قربانپور حامد ازدواج کرد که همواره در نقش آفرینی و موفقیت‌های این استاد عالی قدر مؤثر بود و به این ضرب‌المثل معروف که پشت هر مرد موفق‌ی زنی فداکار و از خود گذشته وجود دارد، عینیت بخشید.

از استاد طباطبایی یک پسر و یک دختر به نام‌های علی و دل‌آرا به جا مانده است که مانند پدر صاحب کمالات و بزرگواری هستند. دکتر سید علی طباطبایی اکنون از جراحان بنام و معروف ایرانی مقیم آلمان است. دختر ایشان نیز تحصیلات دانشگاهی در رشته هنر دارد و در ایران و آلمان به فعالیت‌های هنری مشغول است.



عبارات و سخنان نغز و ماندگار استاد سید محمد طباطبایی
 جوان‌ها باید خود ساخته باشند و بتوانند روی پای خود بایستند و اگر از تجربه بزرگ‌ترها استفاده نمایند، مسیر آنها برای رسیدن به هدف کوتاه‌تر می‌گردد.
 تا می‌توانید در خدمت مردم باشید و اگر بدانید که بخشش و کمک به نیازمندان چقدر لذت بخش است، کفش‌های خود را هم بخشیده و با پای برهنه راه می‌روید.
 چرخ دنیا به خاطر هیچ‌کس از حرکت باز نمی‌ایستد پس تا می‌توانید از زندگی لذت ببرید و اگر بلد نیستید، بگذارید

دیگران از زندگی لذت ببرند.
 بزرگ‌ترین سرمایه من دوستان و دانشجویان من هستند که مانند گل‌های باغ در سرزمین ایران پرانده‌اند.
 گردنم در مقابل حرف حق از موی نازک‌تر است و در مقابل ظلم و حرف زور مانند کوه محکم و استوار ایستادگی می‌کنم.
 من موفقیت‌م را مدیون دعای خیر مادرم هستم، پس به مادر و پدر خود احترام بگذارید و همواره در اطاعت امر آنها آماده باشید.
 هیچگاه ناله مکن، چاره بکن.
 برگرفته از سرگذشت مختصر استاد طباطبایی نوشته سید منصور طباطبایی برادرزاده استاد.

◀ یک قطعه شعر زیبا از استاد سید محمد طباطبایی

روزی به فکر مردم وطنم روی کوهسار
 از گونه‌های مرز و مازو و نرمه‌دار
 از لیلکی و کلهر و افرا و نارون
 زالزالک و بلوط و شن و از درخت ون
 بید و صنوبر و عرعر، افاقیا
 انجیلی و کجف و کرکف و بنه
 از یاس زرد و به ژاڤنی، ارغوان چین
 یاس بنفش و راش و گل‌سین و دارواش
 آویشن و پنیرک و جاشیر و فرقیون
 سیب و گلابی و آلوچه و هلو
 نراد و کاج و نوتل در کنار سرو
 از لاله‌ها و سنبل و زنبق، آماریلیس
 از جعفری و سیلن و سنبل، گل دوروی
 از بهر چیست این همه زحمت عزیز من
 کوشید تا کند بهشت، کرج پیر دیر ما
 هرگز مکن تو ناله ز کم‌لطفی رقیب
 برخیز و چاره کن تو طبا باز گل بکار

سید محمد طباطبایی ۱۳۸۰/۸/۱۲

◀ منابع

جوانشیر، ک.، ۱۳۷۸. تاریخ علوم منابع طبیعی ایران، انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، تهران.
 حجازی، ر. و معیری‌نژاد، ج.، ۱۳۴۴. راهنمای آموزش دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، چاپ افسست، دانشکده کشاورزی.
 سالنامه نگاه‌های علمی فلاحی کرج سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۶، چاپخانه مجلس.
 مذاکرات و مصاحبه‌های حضوری با استادان و کارشناسان قدیمی دانشکده منابع طبیعی و دانشکده کشاورزی.
 یادنامه بزرگداشت هفتادمین سال تأسیس دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ - ۱۳.
 خاطرات و دست‌نوشته‌های منتشر نشده استاد محمد طباطبایی و مصاحبه‌های حضوری، در زمان حیات با ایشان.